

Journal iranian political sociology

Vol. 4, No 3, fall 2021

The role of Cyprus in the Crusades

The location of Cyprus in the Mediterranean Sea and its proximity to the western regions of the Levant, especially Jerusalem, as well as its proximity to European countries such as Byzantium, the co-religion of the inhabitants of Cyprus with Christians caused the fate of this country to be associated with the Crusades. This research deals with the economic, political and military role of Cyprus in the Crusades and the effects these wars had on Cyprus through historical and analytical research. The period of the Crusades, on the one hand, caused the commercial activities of the Italian republics in Cyprus, and on the other hand, after the eastern coast became insecure, it increased the commercial importance of the northern coast of the island. Because trade with Asia Minor expanded due to the insecurity of other coasts, it seems that during the Crusades, Cyprus played a major role in providing aid and support to the Crusaders, and the Crusades also had important effects, especially after the Third Crusade and the occupation of the island by Richard Shirdel left a legacy in political, religious and economic fields

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره سوم (پیاپی ۱۵) پاییز ۱۴۰۰، صص ۲۸۷۹-۲۸۶۵

نقش قبرس در جنگهای صلیبی

آمنه باقری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۹

چکیده

موقعیت قبرس در دریای مدیترانه و نزدیکی آن به مناطق غربی شام به ویژه بیت‌المقدس و همچنین نزدیکی آن به کشورهای اروپایی چون بیزانس، هم‌کیشی ساکنان قبرس با مسیحیان سبب شد که سرنوشت این کشور با جنگهای صلیبی مرتبط گردد. این پژوهش به نقش قبرس از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی در جنگهای صلیبی و تأثیراتی که این جنگها در قبرس داشته‌اند به روش تحقیق تاریخی و تحلیلی می‌پردازد. به نظر می‌رسد قبرس در دوران جنگهای صلیبی نقش عمده‌ای برای امداد رسانی و پشتیبانی صلیبی‌ها ایفا کرد و جنگهای صلیبی نیز تأثیرات مهمی را بویژه پس از جنگ صلیبی سوم و اشغال جزیره توسط ریچارد شیردل، در زمینه سیاسی، مذهبی و اقتصادی به جا گذاشت.

کلید واژه‌ها: جنگهای صلیبی، خاندان لوزینیان، قبرس، دولت لاتینی

قبرس جزیره‌ای است که در شرقی‌ترین قسمت دریای مدیترانه قرار گرفته و پس از سیسیل و ساردنی سومین جزیره مدیترانه از نظر وسعت می‌باشد. این جزیره همواره به عنوان یک پایگاه برای نیروهای نظامی در دریای مدیترانه مطرح بوده است و غالباً هر دولتی که توانسته بر سواحل شرقی مدیترانه تسلط یابد به این جزیره نیز چشم دوخته است. این جزیره در زمان ظهور اسلام تحت سلطه امپراتوری روم شرقی بود و در دوره خلافت عثمان بن عفان توسط معاویه مورد توجه قرار گرفت و پس از آن میان حاکمان مسلمان و بیزانس بر سر حاکمیت آن نزاع و درگیری بوده تا اینکه قبرس در سده چهارم/دهم توسط امپراتور روم نیکفور فوکاس تصرف گشته و دست مسلمانان از این جزیره کوتاه شد. با شروع جنگهای صلیبی و تصرف شهرهای ساحلی شام توسط صلیبی‌ها اهمیت این جزیره مورد توجه نیروهای اروپایی قرار گرفته و به تصرف این جزیره توسط فرمانده انگلیسی صلیبی‌ها ریچارد شیردل انجامید سپس دولتی لاتینی در آنجا تشکیل شد. درباره قبرس و جنگهای صلیبی پژوهشی به زبان فارسی صورت نگرفته است اما دو کتاب به زبان عربی به نام مملکه قبرص اللاتینیه نوشته محمد فرسوخ و کتاب دیگری به نام قبرص والحروب الصلیبیه نوشته بیترو ادیوری وجود دارد که این دو کتاب به وقایع مرتبط با جنگهای صلیبی در قبرس می‌پردازند اما این پژوهش در صدد پاسخگویی به این پرسشها می‌باشد که قبرس چه نقشی در جنگهای صلیبی داشته و جنگهای صلیبی چه تحولات و تأثیراتی در قبرس به جای گذاشته است؟

۱- قبرس در جنگ اول و دوم صلیبی

از آغاز جنگهای صلیبی (۱۰۹۶/۴۸۹) تا سال ۱۱۷۵/۵۷۱ که ایزاک (اسحاق) کامنوس فرمانروای محلی قبرس اعلام استقلال کرد، این جزیره هنوز در تصرف بیزانس بود. در اواخر سده پنجم/یازدهم قبرس پایگاهی برای فعالیت بیزانس و نیروهای دریایی آن شد و در نیمه اول سده ششم/دوازدهم این جزیره در آرامش بود و رفت و آمد زائران بیت المقدس از طریق این جزیره صورت می‌گرفت و روابط با قدرتهای مسلمان نیز جریان داشت. (الگار^۲، ۳۰۹/۵-۳۰۱) شاید همین رفت و آمدهای زائران بیت المقدس سبب شده است که در خلال این دو سده صومعه‌ها و کلیساهای بزرگی در قبرس تأسیس شود. (توفالیس^۳، ۴۶)

در آغاز جنگهای صلیبی سواحل شرقی مدیترانه در تصرف مسلمانان بود؛ آسیای صغیر در دست قلیچ ارسلان (حک ۴۸۵-۱۱۰۷-۱۰۹۲/۵۰۱) سلطان سلجوقی قونیه بود؛ در سرزمین مصر خلفای اسماعیلی مذهب فاطمیان (حک ۳۵۹-۹۶۹/۵۶۷-۱۱۷۱) حکومت می‌کردند و شام نیز در تصرف دولت سلجوقیان شام (حک ۴۸۷-۱۰۹۴/۵۱۱-۱۱۱۷) که تتش پسر آلپ ارسلان سلجوقی بنا نهاده بود، قرار داشت. (حتی، ۶۱۲)

در سده‌های قبرس برای مسلمانان پیش از جنگهای صلیبی همان دزدان دریایی بودند که قبرس را به عنوان پایگاه خود برای حمله به کشتی‌ها و سواحل مصر و شام قرار داده بودند چنانکه در ایام حکومت رضوان بن تتش (۵۰۷-۱۱۱۳/۴۸۸-۱۰۹۵) بیست و دو کشتی از سوی قبرس به بندر لاذقیه حمله کرده و تمام اموال تاجران را به تاراج برده و لاذقیه را غارت کردند و بازگشتند. (ابن ابی جراده، ۳۴۵/۱) با توجه به اینکه این حمله توسط دزدان دریایی صورت گرفته و زمان آن پیش از جنگهای صلیبی بوده به نظر می‌رسد که مقاصد مذهبی و یا سیاسی را در بر نداشته و بیشتر انگیزه اقتصادی داشته باشد.

^۱ . Issac Comnenus

^۲ . Algar

^۳ . Tofallis

در خلال جنگ اول صلیبی (۴۹۴-۴۸۹/۱۰۹۹-۱۰۹۶) قبرس یک ولایت دورافتاده و کم اهمیت از بیزانس به شمار می‌آمد و حاکمان و اسقفهایی که از سوی قسطنطنیه به آنجا فرستاده می‌شدند، یک حکومت محلی تشکیل داده بودند که اغلب به زبان یونانی صحبت می‌کردند. (ادیوری، ۱۰) از آنجا که قبرس یکی از ایالت‌های بیزانس به شمار می‌رفت موضعگیری آن در قبال این جنگها به مواضع امپراتوری بیزانس وابسته بود. اولین حمله‌ی صلیبی به انطاکیه بود و منجر به سقوط این شهر در سال ۱۰۹۸/۴۹۱ شد. پس از انطاکیه، بیت‌المقدس در سال ۱۰۹۹/۴۹۲ به دست فرنگیان افتاد. ضمن اشغال مسجدالاقصی، چهار دولت صلیبی انطاکیه، رها، طرابلس و بیت‌المقدس در دل سرزمینهای اسلامی تأسیس گشت. بیت‌المقدس بزرگترین دولت صلیبی بود که در واقع سه دولت مذکور را می‌توان تابع این دولت دانست. (مونس، ۳۳۱) پیروزی صلیبی‌ها در جنگ اول صلیبی، جمهوریهای دریایی ایتالیا را به تجارت در شرق دریای مدیترانه تشجیع کرد و قبرس نیز از موقعیت خود در مسیر دریایی غرب به شرق بهره‌مند گشت. (ادیوری، ۱۰)

قبرس در جریان تصرف طرابلس یعنی سومین امیرنشین مسیحی در بلاد شرق تأثیرگذار بود و این نشان‌دهنده همکاری بیزانس با صلیبی‌ها است زیرا تا این زمان امپراتور بیزانس برای بازگرداندن قلمرو از دست رفته خود در سرزمین شام تلاش می‌کرد. به گفته‌ی ابن‌خلدون در سال ۱۱۰۶/۵۰۰ در زمان حکومت بنی‌عمار (۵۰۲-۱۱۰۹/۴۶۲-۱۰۷۰) بر طرابلس شام، در محاصره طرابلس، ناوگانی از سوی جزیره قبرس و انطاکیه و ونیز به کمک فرنگیان در طرابلس آمدند. (۲۱۴/۵) جورج هیل^۴ نیز به این مطلب اشاره دارد که ریموند^۵ امیر انطاکیه از همپیمانان استوار امپراتور روم آلكسیوس اول^۶ (۵۱۲-۱۱۱۸/۴۷۴-۱۰۸۱) بود به همین دلیل هنگامی که در سال ۱۱۰۲/۴۹۶ طرابلس را محاصره کرده بود، از بیزانس تقاضای یاری کرد و به دستور امپراتور، دوک قبرس که در آن زمان فیلوکالس^۷ بود، چندین کشتی و معمارانی برای ساخت استحکامات نظامی به طرابلس فرستاد. (۳۰۱/۱-۳۰۰)

ظاهراً چند سال بعد موضع امپراتوری بیزانس در مورد جنگهای صلیبی تغییر کرد که به نظر می‌رسد این تغییر موضع به این دلیل باشد که بیزانس انتظار داشت پس از پیروزی در جنگ، صلیبیان قلمرو گذشته وی در سرزمینهای اسلامی را به او باز گردانند اما خواسته بیزانس بر آورده نشد و بالدوین^۸ در ادسا، رابرت نورماندی^۹ در طرابلس و بوهموند^{۱۰} در انطاکیه حکومت را در دست گرفتند و هیچ یک از این شهرها که پیش از این متعلق به امپراتوری بیزانس بود به آلكسیوس بازگردانده نشد. (نیومن^{۱۱}، ۹۲) این تغییر موضع بیزانس در قبرس نیز تأثیر گذاشت و هنگامی که بیروت از طرف صلیبی‌ها محاصره شد حاکم آن شبانه با کشتی به قبرس گریخت و قبرس نیز به این حاکم مسلمان پناه داد. (محمد عاشور، ۱۷۳) مردم بیروت نیز مخفیانه دارایی‌ها را که توانسته بودند از دستبرد صلیبی‌ها حفظ کنند به قبرس بردند. (هیل، ۳۰۴/۱)

جنگ صلیبی دوم پس از آزاد شدن رها اولین دولت صلیبی شام در سال ۱۱۴۴/۵۳۹ به دست عمادالدین زنگی (د ۱۱۴۶/۵۴۱) آغاز شد که در آن صلیبیان دمشق را محاصره کردند ولی نتوانستند بر آن تسلط یابند و این جنگ در سال ۱۱۴۸/۵۴۳ پایان یافت. (حریری، مقدمه مترجم، ۲۴-۳۲) در همین سال امپراتور مانویل^{۱۲} (۱۱۴۳-۱۱۸۰/۵۳۸-۵۷۶) در دو جزیره قبرس و کرت

^۴. Hill, G.

^۵. Raymond

^۶. Alexius Comnenus I

^۷. Philocales

^۸. Baldwin

^۹. Robert of Normandy

^{۱۰}. Bohemund

^{۱۱}. NewMan

^{۱۲}. Manuel comnenus

امتیازاتی به تجار ونیزی اعطا کرد و زمینه نفوذ لاتینی‌ها در جزیره فراهم شد. (هیل، ۳۰۵-۳۰۶) با توجه به مطالب ذکر شده قبرس در فاصله جنگ اول و دوم صلیبی موضعی بر ضد مسلمانان نداشت و هنگام جنگ دوم از نظر اقتصادی به ونیزیها امتیازاتی داد.

در سال ۱۱۵۶/۵۵۱ امیر انطاکیه ریموند^{۱۳} با ائتلاف با توروس^{۱۴} ارمنی حاکم کیلیکیه به قبرس حمله کردند و در آنجا سپاهیان انطاکیه به مدت سه هفته به حد افراط به قتل و غارت و تخریب پرداختند. این حمله از سوی حاکم صلیبی انطاکیه به قبرس که در آن زمان یک سرزمین مسیحی نشین به شمار می‌آمد موجب خشم سلطان بالدوین و امپراتور بیزانس شد. (ابرهاردمایر، ۱۳۸) ظاهراً این حمله بدون آگاهی بالدوین بوده است و از آنجا که در این زمان قبرس هنوز یکی از ایالت‌های بیزانس به شمار می‌رفت موجب خشم امپراتور بیزانس گشت. حمله امیر انطاکیه به قبرس می‌تواند اولاً نشانگر ضعف تسلط بیزانس بر قبرس و ثانیاً نشان دهنده چشم طمع صلیبی‌ها به این جزیره و خارج ساختن آن از حاکمیت امپراتوری بیزانس باشد. البته این ضعف سبب شد که سی سال بعد قبرس از حاکمیت بیزانس خارج شود.

پیش از جنگ سوم صلیبی در خلال جنگ‌های صلاح‌الدین ایوبی با صلیبی‌ها در سال ۱۱۸۵/۵۸۱ حاکم قبرس ایزاک کامنوس^{۱۵} علیه امپراتور بیزانس شورش کرد و خود را امپراتور نامید. (اسپیلینگ^{۱۶}، ۲۶) ایزاک با توجه به ضعف در امپراتوری روم توانست طی سالهای ۱۱۸۵/۵۸۷-۱۱۹۱-۵۸۱ از فرمان حکومت بیزانس خارج شود و با اتحادهای موقت با حکومت سیسیل و زمانی با ارامنه کیلیکیه و چندی با صلاح‌الدین روی پای خود بایستد. ایزاک به قوم لاتین نفرت می‌ورزید و خود نیز در جزیره به سبب مالیات‌های سنگینی که می‌گرفت، محبوبیت نداشت. (رانسیمان، ۵۶/۳) او توانست با اتحاد با ویلیام دوم^{۱۷} پادشاه نورمان در برابر لشکرکشی امپراتور بیزانس ایزاک آنجلیوس دوم^{۱۸} (۶۰۰-۱۲۰۴/۵۸۱-۱۱۸۵) از حکومت خود دفاع کند. (الگار، ۳۰۹-۳۰۱/۵) طبق گفته هیل قبل از تصرف قبرس به دست ریچارد، ایزاک پیمان اتحادی با صلاح‌الدین داشته‌است و تلاش زیادی برای ناکام کردن تلاش فرنگیان شام جهت تأمین آذوقه از قبرس کرده است تا از این طریق عوارض سنگینی را به صلیبیان تحمیل کرده و آنها را از هر جهت تحریم کند. ایزاک دستورهای صادر کرده بود که صلیبیان اجازه ورود به هیچ نقطه‌ای از قبرس را ندارند. (۳۱۷/۱) به این ترتیب با پایان تسلط بیزانس و حاکمیت ایزاک پیش از جنگ سوم، قبرس موضعی به نفع مسلمانان و بر ضد صلیبی‌ها داشت.

۲- جنگ سوم صلیبی و اشغال قبرس توسط انگلستان

پس از آزاد شدن بیت‌المقدس توسط صلاح‌الدین، جنگ سوم صلیبی (۵۸۸-۱۱۹۲/۵۸۵-۱۱۸۹) آغاز شد زیرا این شکست برای اروپا ضایعه‌ی بزرگی به حساب می‌آمد. فردریک^{۱۹} پادشاه آلمان، فیلیپ آگوست^{۲۰} پادشاه فرانسه و ریچارد شیردل^{۲۱} پادشاه انگلستان به طرف بیت‌المقدس حرکت کردند. (حریری، مقدمه مترجم ۳۳) در خلال جنگ صلیبی سوم اتفاقی سرنوشت ساز برای قبرس رخ داد. در سال ۱۱۹۱/۵۸۷ ریچارد شیردل پادشاه انگلستان که سر راه بیت‌المقدس به قبرس آمده بود این جزیره

^{۱۳} . Raymond

^{۱۴} . Thoros

^{۱۵} . Isack Comnenus

^{۱۶} . Spilling

^{۱۷} . William II

^{۱۸} . Isaac Angelus II

^{۱۹} . Frederick Barbarossa

^{۲۰} . Philip Agusut

^{۲۱} . Richard the lion heart

را تصرف کرد. (ابن‌واصل، ۴۱۵/۲) بهانه ریچارد برای تصرف قبرس این بود که در راه دریایی به سوی عکا بیست و پنج کشتی انگلیسی در اثر طوفان گم شدند. در میان این کشتی‌ها دو کشتی اهمیت بیشتری داشتند زیرا در یکی پوله‌های ریچارد و در دیگری خواهرش جوانا بود که این دو کشتی توسط ایزاک پادشاه قبرس ربوده شده بود. ریچارد پس از آگاهی از این راهزنی به سوی لیماسول حرکت کرد. (وست، ۶۱-۶۲) سپاهیان ایزاک با محافظت از سواحل، مانع ورود خدمه کشتی ریچارد جهت تهیه آب و آذوقه به خشکی شدند. هنگامی که ایزاک دریافت که ریچارد واقعاً تصمیم پیاده شدن دارد، شهر را خالی کرد. از سویی بازرگانان لاتینی مخالف ایزاک (احتمالاً ونیزی‌ها و ژنوایی‌ها) به استقبال ریچارد شتافتند تا او را به جای ایزاک به پادشاهی جزیره بگمارند. ریچارد به سپاهیان خود فرمان داد تا اردو زنند. وی در روز سوم به ایزاک پیغام داد که برای مذاکره نزد او رود. ریچارد در گفتگو با او خواست تا دست از مخالفت با صلیبی‌ها بردارد و خود نیز به آنها بپیوندد اما ایزاک با هر چیزی جز حضور شخصی موافقت کرد. وی جرأت نداشت جزیره را ترک کند چرا که در این صورت امپراتور بیزانس حق حاکمیت وی را انکار می‌کرد و امکان داشت در غیاب وی مردم دست به شورش بزنند. (هیل، ۳۱۸) ایزاک به ریچارد پیشنهاد کرد که بیست هزار مارک طلا و پانصد مرد جنگی در اختیار او بگذارد و دختر خود را برای نشان دادن حسن نیتش با او بفرستد. این پیشنهاد از سوی ریچارد مورد پذیرش قرار گرفت و ایزاک به لیماسول آمد و سوگند وفاداری به ریچارد خورد اما در همان شب از ترس خیانت فرار کرد. (نیومن، ۱۰۰) هیل می‌نویسد ایزاک که گویا برای تخمین زدن قدرت ریچارد، نزد او آمده بود در همان شب در پیغامی اهانت آمیز از وی خواست بلافاصله جزیره را ترک کند. ریچارد نیز دستور حمله به اردوگاه وی را داد و او را دستگیر کرده و اموال خویش را از وی پس گرفت. (۳۱۸)

در این زمان کشتی‌های جنگی طرفدار ریچارد در ساحل لیماسول پهلو گرفته بودند که از مسافران این کشتی‌ها گی و برادرش جفری کنت لوزینیان از مهمترین دست‌نشانندگان ریچارد در فرانسه و همچنین بسیاری از سران فرقه پاسبانان معبد بودند. (رانسیمان، ۲۳-۶) گی در سال ۱۱۸۶/۵۸۲ پس از ازدواج با سیبلا^{۲۲} دختر آملریک اول، پادشاه بیت‌المقدس شد. او در سال ۱۱۸۷/۵۸۳ در جنگ حطین شکست خورد و بیت‌المقدس را به صلاح‌الدین ایوبی سلطان مصر واگذار کرد (الگار، ۳۰۱/۵-۳۰۹) و صلاح‌الدین نیز وی را بخشید. (وست، ۵۵) ازدواج سیبلا با یک ماجراجوی فرانسوی موجب اختلاف میان صلیبی‌ها شد. (هیل، ۹۴-۹۶) ریچارد می‌خواست پادشاهی بیت‌المقدس در دست او باشد اما پادشاه فرانسه فیلیپ، حامی کنراد مونفراتوی^{۲۳} (۱۱۹۲/۵۸۸) بود. (وست، ۷۰-۷۱) گی و برادرش جفری به قبرس آمده بودند که توجه ریچارد را به خود جلب کنند. ورود این گروه به جزیره، استقبال بازرگانان لاتین و یونانیان به دلیل کینه و دشمنی با ایزاک از سوی دیگر، ریچارد را برای تسخیر تمام جزیره مصمم ساخت. از دلایل دیگر خطر دوستی و اتحاد ایزاک با صلاح‌الدین بود که ریچارد را در این تصمیم راسخ تر نمود تا جایی که هنگامی که فرستادگانی از جانب فیلیپ و بزرگان فلسطین به سوی ریچارد آمده و تقاضا نمودند که در حرکت خود به سوی فلسطین شتاب کند به درستی پاسخ داد که تا تسخیر کامل جزیره به دلیل اهمیت نظامیش، از جای تکان نخواهد خورد. (رانسیمان، ۲۰۶/۳)

فتح جزیره از ابعاد مختلف با دیگر متصرفات صلیبی‌ها تفاوت داشت زیرا با اینکه جزیره چند سالی توسط ایزاک اشغال شده بود اما هنوز بیزانس ادعای مالکیت آن را داشت. از سوی دیگر صلیبی‌ها این جزیره را از مسلمانان نگرفتند بلکه از یونانیان مسیحی تحت فرمان حاکم مسیحی به چنگ آوردند. فتح قبرس اولین گام در تسلیم امپراتوری روم شرقی به صلیبی‌ها بود که پانزده سال بعد در جنگ چهارم صلیبی با فتح قسطنطنیه توسط صلیبی‌ها تکمیل شد. اشغال قبرس آغاز یک حاکمیت توسط

^{۲۲} . Sybilla

^{۲۳} . Conrad Monferrat

قدرتهای غربی برای حدود چهارصد سال بود و مقدمه‌ای شد برای پایه‌گذاری سیستم فئودالی نورمانها و سیطره کلیسای کاتولیک در جزیره که پیش از آن وارث یونانی‌ها و از نظر مذهبی پیرو مسیحیت ارتودوکس بود.

ریچارد پس از تصرف جزیره از یونانیان مالیاتی به میزان پنجاه درصد از کل اموال گرفت و تمام قلعه‌های جزیره با سربازان لاتینی پر شد. او دو تن انگلیسی به نام ریچارد کامویلی^{۲۴} و رابرت تورنهامی^{۲۵} را تا اتخاذ تصمیم نهایی در باب سرنوشت قبرس، در رأس امور اداری و قضایی آن گماشت. تسخیر قبرس توسط فرنگیان سبب شد که این جزیره پس از انقراض دولتهای صلیبی شام توسط ممالیک، دو قرن بیشتر دوام داشته باشد. (رانسیمان، ۲/۳-۶)

رنه گروسه تصرف قبرس توسط ریچارد را اولین نتیجه و پیروزی در جنگ سوم صلیبی می‌داند. این پیروزی اتفاقی در زمانی که صلاح‌الدین ضربت‌های پی در پی به دولت فرانکها وارد می‌آورد، برای آنها خالی از اهمیت نبود چرا که در صورت پیروزی قطعی صلاح‌الدین، جزیره قبرس به منزله پناهگاه و پایگاهی بود که فرانکها می‌توانستند از آن استفاده کنند. (گروسه، ۷۰) به گفته هیل نیز نباید تصرف قبرس توسط ریچارد را یک حادثه‌ی ضمنی در کنار جنگ صلیبی قلمداد کرد زیرا در شرایطی که صلاح‌الدین پایگاههای لاتینی در بیت‌المقدس را تخریب کرده بود با تصرف قبرس ارسال آذوقه برای صلیبیان سوریه ممکن شد و آنها توانستند پایگاهی برای حمله به دیگر نقاط پیدا کنند. (۳۲۱/۱)

با تصرف قبرس به دست ریچارد شیردل دوران بیزانسی قبرس پایان یافت و دوران لاتینی آن آغاز شد. البته پیاده شدن ریچارد در قبرس اولین برخورد قبرسیها با فرنگیها نبود بلکه در زمان امپراتور بیزانس ژان دوم (حک ۵۱۲-۵۳۸/۱۱۱۸-۱۱۴۳) اهالی تل حمدون از ارمنستان صغیر به قبرس منتقل شدند و چنانکه گفته شد زمان امپراتور مانویل کامنوس (حک ۵۳۸-۵۷۶/۱۱۸۰-۱۱۴۳) امتیازاتی به تجار ونیزی اعطا شد و زمینه نفوذ اقتصادی لاتینی‌ها در جزیره فراهم شد. (هیل، ۳۰۵-۳۰۶) سلطه‌ی ریچارد بر قبرس چند مدعی دیگر نیز داشت؛ پادشاه فرانسه فیلیپ، نصف جزیره را از آن خود می‌دانست زیرا وی با ریچارد بر تقسیم هر گونه فتوحات ضمنی در خلال حمله توافق کرده بود. خاندان ایزاک نیز به طلب آن اقدام کردند اما ظاهراً ایزاک خود تلاشی برای بازگرداندن قبرس نکرد و در قلعه‌ای در شمال سوریه محبوس بود تا اینکه در سال ۱۱۹۲/۵۸۸ یا ۱۱۹۳/۵۸۹ آزاد شد و حدود سال ۱۱۹۵/۵۹۱ مسموم و کشته شد. (ادیوری، ۲۱)

پس از خروج ریچارد از قبرس نمایندگان وی، کامویلی و رابرت تورنهامی^{۲۶} به سختی توانستند مانع از بروز شورش شوند و از سویی نشانه‌های نارضایتی مشاهده می‌شد. (رانسیمان، ۳/۷۴) قبرسی‌ها دریافتند که آزادی گذشته آنها در خطر است و سعی کردند که آن آزادی را دوباره بازگردانند. آنها یک راهب را که گفته شده است از خویشاوندان ایزاک کامنوس بود به عنوان پادشاه قبرس برانگیختند اما رابرت تورنهامی با حمله‌ای ناگهانی؛ آنها را قبل از اجرای نقشه سرکوب کرد. قبرسی‌ها شکست خوردند و رهبر آنها دستگیر و گردن زده شد. (نیومن، ۱۰۰)

دوره حکومت انگلیس بر جزیره کوتاه بود و ریچارد، قبرس را به بهای صد هزار بیزانسی^{۲۷} به پاسبانان معبد^{۲۸} فروخت. (توفالیس، ۵۱) پاسبانان معبد‌ای از سواران بودند که اساساً از نه نفر تشکیل شده بودند و کار آنها با موافقت پادشاه بالدوین، حمایت از زائران بیت‌المقدس بود و به این دلیل به این نام خوانده شدند. این فرقه از پشتیبانی پاپ برخوردار بوده و از پرداخت

^{۲۴} . Richard of comville

^{۲۵} . Robert of Turnham

۱. Robert of Thornham

^{۲۷} . Byzants

^{۲۸} . Knights Templars

عشریه معاف بودند و صاحب ثروت هنگفتی شدند. حکومت سواران معبد در جزیره به دلیل خشونت آنها موجب دشمنی قبرسی‌ها با آنها شد. قبرسی‌ها با مایوس شدن از اصلاح رفتار ایشان و با مشاهده‌ی تعداد اندک آنها تصمیم گرفتند که در روز عید پاک سال ۱۱۹۲/۵۸۸ آنها را قتل عام کنند اما سواران از این توطئه آگاه شده و به قلعه‌های نیکوزیا پناه بردند. از آنجا که تعداد آنها کم بود توان رویارویی با شورشیان را نداشتند و پیشنهاد کردند که در صورت زنده ماندن، جزیره را ترک خواهند کرد اما پیشنهاد آنها پذیرفته نشد و آنها تصمیم به مبارزه گرفتند. سواران به خیابان‌ها ریختند و قبرسی‌ها را بدون در نظر گرفتن جنس یا سن از دم تیغ گذراندند. این شورش سرکوب شد اما سواران معبد احساس کردند که قادر به نگهداری قبرس نیستند و معامله با ریچارد شیردل را فسخ کردند. (نیومن، ۱۰۴) در مورد باز پس دادن قبرس به ریچارد دلایل دیگری نیز ذکر شده است برخی گفته‌اند که سواران معبد احتیاج فوری به پول خود داشتند و از ریچارد خواستند که جزیره را باز پس گیرد. (توفالیس، ۵۱) برخی نیز گفته‌اند که سواران معبد ابتدا جزیره را از ریچارد خریدند اما هنگامی که نتوانستند مبلغ مورد نظر را بپردازند ریچارد نیز جزیره به گی لوزینیان واگذار کرد. (دایره‌المعارف بریتانیکا، ۹۳۲/۶-۹۳۶) اما از دلایلی که ریچارد قبرس را به گی فروخت این بود که پس از مرگ سبیل‌ملکه اورشلیم، مخالفت با حکومت گی شوهر او افزایش یافت و صلیبی‌ها تصمیم گرفتند که یک پادشاه جدید انتخاب کنند. آنها خواهرزاده (یا برادرزاده) ریچارد شیردل، هانری کنت شامپانی را انتخاب کردند اما از آنجا که گی اصالتاً از قلمرو ریچارد و تبعه‌ی او بود، ریچارد شیردل به او پیشنهاد کرد که در عوض از دست دادن اورشلیم حکومت قبرس را دریافت کند. برخی می‌گویند قبرس به عنوان یک هدیه رایگان و یا با همان شرایط سواران معبد به او فروخته شده است. احتمال دارد که گی این بدهی را تعهد کرده باشد اما بعید است که او این مبلغ را پرداخته باشد. (نیومن، ۱۰۰) گفته شده است که گی پس از پرداخت شصت هزار بیرانسی به پادشاه انگلیس به سوی قبرس حرکت کرد. (ادیوری، ۲۱) درباره فروش قبرس توسط ریچارد باید دو نکته را یاد آور شد اولاً اینکه مسلمانان با تصرف قبرس در صدر اسلام به گرفتن مالیاتی که قبرسیها از زمان فینیقیها به آن گردن نهاده بودند راضی شدند اما ریچارد کل جزیره را ملک شخصی خود به حساب آورد و اقدام به فروش آن کرد. نکته دوم اینکه ریچارد برای به دست آوردن ثروتی که آن را برای ادامه‌ی جنگ‌های صلیبی نیاز داشت اقدام به فروش جزیره به بهایی گزاف کرد که با وجود پذیرش این مبلغ توسط پاسبانان معبد، قادر به پرداخت آن نشدند.

۳- حکومت خاندان لوزینیان بر قبرس (۸۹۴-۱۱۹۲/۵۸۸-۱۴۸۹)

با فروش یا در اختیار گذاشتن قبرس به خاندان لوزینیان، جزیره عملاً تحت سیطره یک خاندان فرانسوی در آمد و این سیطره تا سه سده بر سر قبرسیها سایه افکند. طی این مدت شانزده تن از این خاندان بر قبرس حکومت کردند که این دوره با حکومت‌های ایوبیان و ممالیک در مصر و شام مصادف بود.

در این زمان بیشترین مناطق مسلمان در مجاورت سواحل مدیترانه شرقی در تصرف ایوبیان بود و تأسیس پادشاهی خاندان فرانسوی لوزینیان بر قبرس مصادف با دوره حکومت ایوبیان (۶۴۸-۱۲۵۰/۵۶۷-۱۱۷۲) در مصر است. پادشاهی چهار تن از پادشاهان این خاندان به نامهای گی، آمالریک، هوگ اول و هانری اول هم زمان با تسلط ایوبیان در مصر و شام بود. گی لوزینیان^{۲۹} (حک ۵۸۸-۱۱۹۴/۵۹۰-۱۱۹۲) اولین پادشاه این خاندان است که چنانکه ذکر شد پیش از این نایب پادشاه مملکت لاتینی بیت‌المقدس بود. (عثمان، ۱۴۹) با آمدن گی به قبرس می‌توان گفت که حکومت این جزیره با پادشاهی بیت‌المقدس^{۳۰} در هم

^{۲۹}. guy de Lusignan

^{۳۰}. بیت المقدس بزرگترین دولت صلیبی بود که سه دولت انطاکیه،رها و طرابلس تابع این دولت بودند. این دولت پس از

سقوط بیت المقدس به مرکزیت عکا باقی ماند. رک: الحریری، تاریخ جنگ‌های صلیبی، مقدمه مترجم، ۲۲-۲۴.

آمیخت زیرا صرف نظر از اینکه گی پادشاه بیت المقدس بود، قانون قبرس نیز بر اساس قانون پادشاهی بیت المقدس پایه ریزی شد. البته گی هرگز به عنوان پادشاه قبرس تاجگذاری نکرد اما ادعای تخت اورشلیم را حفظ کرده بود و عنوان او صاحب قبرس بود. (نیومن، ۱۰۷) او در سال ۱۱۹۲/۵۸۸ پس از خرید قبرس از پاسبانان معبد، شهر نیکوزیا را پایتخت جزیره قرار داد. (زنتانی، ۷۸)

اولین تحولی که به دنبال جنگ سوم صلیبی و ورود خاندان لوزینیان در قبرس ایجاد شد، در زمینه اوضاع اجتماعی بود. اوضاع اجتماعی قبرس در هنگام ورود لوزینیان بسیار رقت انگیز بود از سویی حکومت استبدادی و ستمگرانه ایزاک و به دنبال آن قتل عام نیکوزیا توسط سواران معبد بر مردم فشارهایی را تحمیل کرده بود. در قبرس املاک دولتی به طور گسترده افزایش یافته بودند زیرا ایزاک بسیاری از زمینها را مصادره و ضبط کرده بود. (نیومن، ۱۰۵) با ورود خاندان لوزینیان این وضعیت آنها تغییر نکرد بلکه بدتر از گذشته شد. گی در قبرس یک نظام فئودالی تأسیس کرد و زمینهای قبرس میان بارونها و شوالیه‌ها تقسیم گردید. (توفالیس، ۵۲) گی برای درمان مشکل کم جمعیتی قبرسی به کشورهای مجاور اعلان کرد که اموال قبرسی‌هایی که به این کشور برگردند، بازگردانده خواهد شد. طبقه مالک و نجبای پادشاهی جدید شامل ۳۰۰ نجیب‌زاده و ۲۰۰ سلحشور بود و گی به آنها زمینهایی واگذار کرد. عده‌ی دیگر شهرنشین‌هایی بودند که عمدتاً از تجار و صنعتگران تشکیل شده بودند و گروه دیگر افرادی بودند که به دنبال جنگهای صلیبی از اروپا آمده بودند تا از طریق صنعت و تجارت زندگی خود را بگذرانند. (نیومن، ۱۰۶)

به گفته گروسه، گی عده‌ی زیادی از فرانکها را که از فلسطین رانده شده بودند در قبرس جای داد و در حقیقت کانون شرق لاتینی را که صلاح‌الدین ایوبی برهم زده بود، دوباره در قبرس در دل امواج دریا گرد آورد. (۱۰۶) استحکام و تثبیت قدرت گی در جزیره بدون توجه به احتمال بازگشت بیزانس برای بازپس‌گیری قبرس امکان پذیر نبود به این دلیل وی سعی داشت که لقب پادشاه بیت المقدس را نیز باز پس گیرد هر چند که بیت المقدس در دست مسلمانان بود.

پس از مرگ گی، آمالریک^{۳۱} (۶۰۱-۱۲۰۵/۵۹۰-۱۱۹۴) به قدرت رسید. طبق وصیت گی اختیارات او در قبرس به برادرش جفری می‌رسید اما جفری به فرانسه رفته بود و فرنگیان قبرس بی‌درنگ آمالریک را از یافا به جانشینی برادر دعوت کردند. (رانسیمان، ۱۰۵/۳) گروسه آمالریک را مردی مدبر و فعال و سازمان‌دهنده و مؤسس حقیقی دولت قبرس می‌داند. او در سال ۱۱۹۵/۵۹۱ از هانری^{۳۲} ششم امپراتور آلمان عنوان پادشاهی قبرس را گرفت و کنراد دو هیلدشیم^{۳۳} صدر اعظم آلمان به نمایندگی از طرف امپراتور در پاییز ۱۱۹۷/۵۹۳ در شهر نیکوزیا تاج سلطنت را بر سر وی گذاشت. (گروسه، ۱۰۷)

یکی از حوادث دوران آمالریک گرفتن بیروت از مسلمانان بود. نویری در حوادث سال ۱۱۹۷/۵۹۲ یعنی دو سال پس از به حکومت رسیدن آمالریک آورده است که پادشاه قبرس به سوی بیروت خارج شد و این شهر را از دست مسلمانان که در آن زمان والی آن عزالدین اسامه بود، در آورد. بیروت از آن زمان در دست مسیحیان بود تا سال ۱۲۹۱/۶۹۰ که ملک اشرف این شهر از دست ایشان خارج کرد. (نویری، ۴۵۳/۲۸) از نظر گروسه نیز مهمترین اقدام آمالریک این بود که بیروت را از تصرف مسلمانان در آورد. (گروسه، ۷۳) اقدام مهم دیگر آمالریک متحد کردن قبرس با پادشاهی بیت المقدس بود. آمالریک نیز همچون گی در آرزوی تصرف بیت المقدس بود اما وی راهی دیگر را برای دستیابی به آرزوی خویش در پیش گرفت و توانست دو مملکت مسیحی را متحد کند. پس از درگذشت همسر نخستین آمالریک، او در سال ۱۱۹۸/۵۹۳ با ایزابلا ازدواج کرد و چند

^{۳۱} . Amalric

^{۳۲} . Henry

^{۳۳} . Conrad de Hildesheim

روز بعد آنها با نام شاه و ملکه بیت‌المقدس تاجگذاری کردند. به این ترتیب قبرس با بیت‌المقدس متحد شد و اهمیتی افزون بر گذشته کسب کرد. بنیان اتحاد و پادشاهی قبرس و بیت‌المقدس آنچنان که شخص پاپ امیدوار بود، مستحکم نبود زیرا آمارلیک از همان آغاز آشکارا گفت که دو کشور به طور جداگانه اداره خواهند شد و هیچ درآمدی از قبرس به خاطر دفاع از بیت‌المقدس مصرف نخواهد شد. در قبرس مقام سلطنت موروثی بود و بعد از وی پسرش هوگ به حکومت می‌رسید در حالی که در بیت‌المقدس دیوان عالی، انتخاب شاه را همچنان در شأن خود می‌دانست. آمارلیک مقام پادشاهی بیت‌المقدس را مدیون همسرش ایزابلا بود و در صورت مرگ وی سلطنت به همسر جدید ایزابلا می‌رسید. (رانسیمان، ۱۱۶/۳)

پس از اتحاد قبرس با بیت‌المقدس این جزیره بدون منازعه پایگاه تمام حملات شرقی و جنوب به سوی سرزمین شام و مصر شد (فرشوخ، ۸۰) و قبرس پناهگاه و مقر گروه‌های مختلف نظامی از سرزمین‌های مقدس و ارمنستان و انطاکیه و عکا و غیره گردید.

در این دوره امپراتور بیزانس آلكسیوس سوم^{۳۴} که قسطنطنیه را از برادرش ایزاک آنجلوس^{۳۵} غصب کرده بود برای بازگرداندن قبرس به امپراتوری روم نقشه کشید. او در حالی که برای یک حمله نظامی به قبرس آماده می‌شد از پاپ خواست تا به آمارلیک دستور دهد برای جلوگیری از جنگ میان مسیحیان، جزیره را به صلح به او واگذار کند. وی قول داد که در صورت واگذاری قبرس آماده هرگونه همکاری برای بازگرداندن بیت‌المقدس می‌باشد. پاپ به او پاسخ داد که زمانی که ریچارد قبرس را تصرف کرد این جزیره در تصرف بیزانس نبوده است و این غیر ممکن است که صاحبان کنونی قبرس آن را تسلیم کنند. (نیومن، ۱۰۹)

۳- قبرس در جنگ چهارم صلیبی

پاپ به امید باز پس گرفتن بیت‌المقدس و ایجاد پادشاهی مسیحی تازه در آن، از تشویق غریبان به یک حمله صلیبی جدید، دست برداشت و گروهی از نجیب‌زادگان مسیحی سپاه صلیبی جدیدی را تدارک دیدند و پس از مجادلات بسیار تصمیم بر آن شد که نخست به شهر زادار حمله کنند تا آن را از پادشاه مجارستان بستانند. صلیبیان علی‌رغم اعتراض پاپ این شهر را تصرف کردند و امپراتور روم آنجلوس سوم اعتراض کرد و در نتیجه میان او و صلیبیان نزاع در گرفت و عاقبت کار به آنجا کشید که صلیبیان به سوی قسطنطنیه حرکت کردند. (مونس، ۳۳۴) آمارلیک پادشاه قبرس نیز در جنگ چهارم صلیبی شرکت داشت. (عثمان، ۱۴۹) به این ترتیب در سال ۱۲۰۳/۵۹۹ قسطنطنیه پایتخت امپراتوری بیزانس تصرف شد و این شهر تا سال ۱۲۶۱/۶۶۰ به دست صلیبیها بود. (حریری، ۳۴) در نیمه جنگ چهارم بالدوین کنت فلاندر^{۳۶} اولین امپراتور لاتین قسطنطنیه شد و یک ونیزی به نام توماس موروسینی^{۳۷} بطریق شد و نهضت صلیبی بیشتر به جنگ سیاسی و تجاری تبدیل شد تا جنگ مذهبی برای بازپس‌گیری بیت‌المقدس. تأثیری که جنگ چهارم صلیبی بر قبرس داشت این بود که ارتباط سیاسی خود را با بیزانس قطع کرد و به حمایت از کشتی‌های قدرتمند اروپایی برخاست. این دولتها نیز به عنوان یک پایگاه برون مرزی صلیبی‌ها و هم یک بازار بزرگ تجاری در شرق، قبرس را مورد حمایت خویش قرار دادند. (نیومن، ۱۱۰) از سوی دیگر با اشغال قسطنطنیه توسط فرانکها اختلاف میان کلیسای لاتین و ارتودوکس بیشتر شد. (همان، ۱۱۴)

^{۳۴} . Alexios III

^{۳۵} . Isac Angelos

^{۳۶} . Flanders

^{۳۷} . Thomas Morosini

آنها ربطی ندارد. ملک عادل نیز لشکری به سوی عکا فرستاد و حاکم عکا مجبور به صلح و سرانجام آزادی اسیران مسلمان شد. (ابن خلدون، ۳۹۵/۵)

در زمان ملک عادل در سال ۱۲۰۸/۶۰۵ گروهی از قبرسی ها به بازرگانان مسلمان حمله کردند و این امر باعث شد که عادل طرابلس را مورد تجاوز خود قرار دهد. (رانسیمان، ۱۶۶/۳) در همین سال اولین قلعه کایرنیا ساخته شد زیرا در آن زمان بندر کایرنیا در شمال قبرس به یک مرکز تجاری بین قبرس و آسیای صغیر تبدیل شده بود. بر خلاف دیگر سواحل شرقی مدیترانه که درگیر جنگهای صلیبی بود آسیای صغیر در خلال سده های میانه یکی از سود بخش ترین مراکز تجارت میان اروپا و شرق بود. تمامی کالاهای بازرگانان ثروتمند شرق مثل ابریشم، کتان، کنف، روناس و ... به بنادر آسیای صغیر حمل می شدند و استحکامات کایرنیا به عنوان یک پناهگاه امن برای کشتی هایی که در حال تجارت با سواحل مقابل بودند ساخته شد. (نیومن، ۱۱۲) البته برخی گفته اند استحکامات قلعه بیزانسی در کایرنیا با هدف حمایت شمال قبرس در مواجهه با طمع عثمانی مستحکم شد. (عثمان، ۱۵۰)

ابن کثیر در حوادث سال ۱۲۱۰/۶۰۷ نیز به حمله ی پادشاه قبرس به خاک مسلمانان اشاره می کند. وی نام او را الیان ذکر کرده ولی از تاریخ ذکر شده فهمیده می شود که این حمله در زمان هوگ رخ داده است. در این حمله ی شبانه برخی از سرزمینها غارت شده، تعدادی نیز کشته و اسیر شدند. او پس از این حمله به قبرس بازگشت. (ابن کثیر، ۵۷/۱۳) در سال ۱۲۱۲/۶۰۹ قبرس بر انطاکیه مستولی شد و ابن کثیر می گوید به این سبب شر بزرگی درست شد و دست آنها برای حمله به بلاد مسلمانان بخصوص ترکمنهای اطراف انطاکیه باز شد به طوری که بسیاری از آنها را کشته و غنایم بسیاری گرفتند. (همان، ۶۴) در سال ۱۲۱۴/۶۱۱ بار دیگر قبرسی ها به همراه گروههایی دیگر از طرابلس و عکا و انطاکیه به حصن الاکراد فرود آمدند و ملک ظاهر به آنها پیام داد که متعرض حماه نشوند و آنها به شرط آزادی اسیری با او صلح کردند. (ابن واصل، ۲۴۵/۳)

۴- قبرس در جنگ پنجم و ششم صلیبی

در سال ۱۲۱۶/۶۱۲ پادشاه مجارستان و دوک اتریش به هدف آزادی بیت المقدس برای جنگ صلیبی پنجم عازم شرق شدند. در این زمان ملک عادل به علت کمی نیرو از برخورد با صلیبی ها خودداری می کرد. صلیبی ها شهر دمیاط را محاصره کردند. (الحریری، ۳۴-۳۵) در سال ۱۲۱۸/۶۱۵ با مرگ ملک عادل فرزندش کامل به حکومت رسید. (الغامری، ۳۳) در همین سال هوگ نیز در طرابلس در گذشت. (نیومن، ۱۱۳) در قبرس پس از هوگ سلطنت به هانری اول^{۴۲} (۶۵۱-۱۲۵۳/۶۱۵-۱۲۱۸) شاه خردسال رسید و نیابت سلطنت رسماً به عهده مادرش آلیس اورشلمی بود و اداره کشور به دایی وی فیلیپ بینایی سپرده شده بود. (رانسیمان، ۲۱۵/۳)

قبرسیها در سال ۱۲۱۸-۱۲۲۱/۶۱۶-۱۲۱۹ در لشکرکشی به سوی دمیاط شرکت کردند. (الگار، ۳۰۱/۵-۳۰۹) کامل نیروی دریایی خود را بازسازی نمود و در تابستان ۱۲۲۰/۶۱۷ بخشی از آن به سوی قبرس حرکت کرد و در ساحل لیماسول به ناوگانی از صلیبیان برخورد کرد و با یک حمله ناگهانی همه کشتی ها را غرق یا تصرف کرد و هزاران تن را به اسارت گرفت. (رانسیمان، ۱۹۹/۳) در نتیجه صلیبی ها در سال ۱۲۲۱/۶۱۸ از دمیاط عقب نشستند و به این ترتیب جنگ پنجم صلیبی نیز پایان یافت.^{۴۳}

۴۲ - Henry I

۴۳ - الحریری، تاریخ جنگهای صلیبی، مقدمه مترجم ۳۵

فردریک دوم امپراتور آلمان که در آن زمان بزرگترین پادشاه مغرب زمین محسوب می‌شد به این دلیل که توصیه پاپ را مبنی بر حرکت به سوی مشرق را نپذیرفته بود مورد خشم و غضب پاپ قرار گرفت و برای جلب رضایت پاپ گریگوری نهم^{۴۴} قصد شام کرد اما پاپ نپذیرفت اگرچه فردریک با سپاهی که خود ترتیب داده بود به سوی شام حرکت کرد^{۴۵} و بدین ترتیب جنگ ششم صلیبی آغاز گردید. فردریک در سال ۱۲۲۸/۶۲۵ به قبرس آمد و ده روز در جزیره قبرس ماند. وی پنج قائم مقام از هواداران خویش را در جزیره گماشت و شخص شاه را به ایشان سپرد. میراثی که فردریک در قبرس و پادشاهی بیت المقدس باقی گذاشت دامن زدن به نبرد خانگی و خصمانه بود.^{۴۶} پس از بازگشت فردریک میان طرفداران و مخالفان وی در جزیره درگیری شد و سرانجام مخالفان وی شکست خوردند و آخرین استحکامات آنها تصرف شد و در سال ۱۲۳۲/۶۲۹ آخرین پایگاه طرفداران امپراتور از دست آنان خارج گشت.^{۴۷} ورود و خروج هر یک از پادشاهان بزرگ اروپا به نوبه خود بر قبرس تأثیر گذار بود و آنها خود را برای دخالت در این جزیره مجاز می‌دانستند. با وجود اینکه خاندان لوزینیان بر قبرس حکومت می‌کردند در واقع صاحب اصلی قبرس امپراتور روم مقدس بود و آماریک نخستین پادشاه قبرس از سوی هانری ششم به تخت نشست و اینک امپراتور فردریک که وارث پدرش هانری شده بود، صاحب اصلی قبرس به شمار می‌رفت.^{۴۸}

در دوران پادشاهی هانری رئیس اسقفهای کلیسای نیکوزیا دستور آتش زدن سی راهب ارتدوکسی را در دیر قطره داد به این دلیل که آنها از تعالیم کلیسای لاتینی سرباز زدند. این وقایع در سال ۱۲۳۱/۶۲۸ صورت گرفت و جز جرمانوس دوم بطریق قسطنطنیه که اعتراض رسمی خود را به پاپ گریگوری نهم تقدیم کرد، اعتراضی صورت نگرفت.^{۴۹}

جنگ هفتم صلیبی

لوئی نهم پادشاه فرانسه در جنگ هفتم صلیبی از قبرس به عنوان پایگاهی برای حمله به مصر استفاده کرد.^{۵۰} لوئی زمستان را در قبرس ماند و از عکا سران داویه و استباریه برای پیوستن به لشکر و مشورت جهت سازماندهی یک حمله صلیبی دیگر به شرق در قبرس جمع شدند.^{۵۱}

طبق گفته‌ی نویری صلیبی‌ها در سال ۱۲۶۶/۶۶۵ به شهر طبریه حمله کردند در این حمله لشکر قبرس نیز شرکت داشت.^{۵۲} پس از دفع حمله هشتم صلیبی به تونس در سال ۷۱/۶۶۹-۱۲۷۰ هنگامی که ملک ظاهر بیبرس (۶۷۶-۶۵۸/۱۲۷۷-۱۲۶۰) حصن الاکراد را فتح کرد و در آنجا مشغول تنظیم امور بود به او خبر رسید که حاکم قبرس یعنی هوگ سوم با سپاه خود برای دفاع از عکا در برابر مسلمانان به سوی قبرس حرکت کرده است. بیبرس نیز از این فرصت استفاده کرد و سپاه بزرگی را برای فتح

^{۴۴} - Gregory IX

^{۴۵} - الحریری، تاریخ جنگهای صلیبی، مقدمه مترجم ۳۵.

^{۴۶} - رانسیمان، جنگهای صلیبی، ۲۲۹-۲۳۵/۳

^{۴۷} - گروسه، جنگهای صلیبی، ۱۰۸

^{۴۸} - NewMan , *A Short History of Cyprus* , ۱۱۸

^{۴۹} - عثمان، تاریخ قبرص، ۱۵۰

^{۵۰} - Algar.Kubrus, (vol, ۵, pp. ۳۰۹-۳۰۱).

^{۵۱} - مونتریل، اعمال القبارصه، ۲۶-۲۷

^{۵۲} - النویری، نهاییه الارب فی فنون الادب، ۲۹۴/۳۰.

جزیره قبرس فرستاد.^{۵۳} این لشکر شبانه به جزیره رسید اما گرفتار طوفان شد و کشتی‌های آنها در هم شکست و تعداد زیادی از مسلمانان اسیر شدند.^{۵۴} حمله‌ی بیبرس به قبرس نشان می‌دهد که ممالیک به نقش این جزیره به عنوان پایگاهی برای استقرار و تأمین آذوقه نیروهای صلیبی واقف بوده‌اند. فردریک در لشکرکشی برای جنگ ششم و لوئی نهم برای جنگ هفتم صلیبی مدتی در قبرس مستقر شده بودند و همواره نیروهای قبرسی نیز در حملات صلیبی‌ها به سوی شرق شرکت داشتند. یکی از راههای تضعیف سرزمینهای صلیبی در شام حمله به قبرس و قطع امداد رسانی از سوی این جزیره بود. حمله‌ی بیبرس هرچند که با شکست مواجه شد نشان داد که فتح قبرس یکی از اهداف ممالیک می‌باشد که این هدف در زمان برسبای تحقق یافت. نویری در حوادث سال ۱۲۸۳-۱۲۸۴/۶۸۲ به لشکرکشی پادشاه قبرس به سوی سواحل بیروت اشاره می‌کند که در این حمله هوگ سوم شکست خورده و به صورت فرار کرد و در سال ۱۲۸۴/۶۸۲ در همانجا کشته شد.^{۵۵}

سرانجام در سال ۱۲۹۱/۶۹۰ سلطان ممالیک در مصر اشرف خلیل (۶۹۳-۱۲۹۳/۶۸۹-۱۲۹۰) پس از کشته و اسیر کردن عده‌ی زیادی از صلیبی‌ها وارد عکا شد و به آخرین پایگاه صلیبی‌ها در شرق را تصرف کرد.^{۵۶} عکا از زمان اشغال آن توسط ریچارد شیردل تا فتح آن توسط مسلمانان برای صدها سال پایگاه تحرکات صلیبی‌ها در فلسطین بود و موقعیت استراتژیک آن در راه اصلی ساحلی و ارتباط آن با دمشق و استحکام نظامی آن اهمیت سیاسی و تجاری آن را زیاد می‌کرد.^{۵۷} هانری شاه قبرس که در واقع پادشاه بیت‌المقدس نیز بود پس از محاصره عکا توسط مسلمانان، برادر خود آمالریک را با سربازانی به آنجا فرستاد و خود نیز به اتفاق یکصد سوار و دو هزار پیاده از قبرس به سوی عکا آمد.^{۵۸} صلیبیان پس از این که شکست خود را حتمی دیدند به سوی دریا گریختند و گروه زیادی توانستند از راه دریا بگریزند که هانری نیز پیشاپیش آنها بود. پس از آن اشرف خلیل تمام شهرهای ساحلی باقی مانده در دست صلیبی‌ها از جمله صور، صیدا و بیروت را تصرف کرد، صلیبی‌ها به دو جزیره رودس و قبرس فرار کردند. اشرف خلیل نیز دستور تخریب باروها و قلعه‌های تمامی این شهرها را داد تا مبادا صلیبی‌ها بار دیگر پس از فرار به این دو جزیره، بازگردند.^{۵۹}

نتیجه‌گیری:

قبرس در خلال جنگ اول صلیبی به دستور امپراتور بیزانس در جریان محاصره طرابلس کمک‌هایی برای صلیبی‌ها فرستاد. از سویی به دنبال پیروزی در جنگ اول جمهوری‌های ژنوا و ونیز فعالیت‌های خود در قبرس را برای برقراری روابط بازرگانی با سواحل شرقی مدیترانه آغاز کردند. در دوره‌ای که قبرس هنوز تحت سلطه بیزانس بود به دلیل اختلافی که میان امپراتور بیزانس و صلیبی‌ها ایجاد شد از جنگ‌های صلیبی کنار کشیده شد. با شورش ایزاک کامنوس در قبرس علیه امپراتور بیزانس این جزیره نیز از سلطه این امپراتوری خارج شد و ایزاک که برای حفظ قبرس نیاز به هم‌پیمانهایی داشت مدتی با صلاح‌الدین

۵۳ - العینی، عقدالجمان فی تاریخ اهل الزمان، ۷۲/۲

۵۴ - ابن تغری بردی، النجوم الزاهرة، ۱۵۴/۷

۵۵ - النویری، نهاییه‌الارب، ۱۰۳/۳۱

۵۶ - الحریری، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ۹۴.

۵۷ - NewMan, A Short History of Cyprus, ۱۳۱.

۵۸ - رانسیمان، تاریخ جنگ‌های صلیبی، ۴۹۲/۳.

۵۹ - شبارو، دولت ممالیک، ۳۹-۴۱.

پیمان صلح داشت و از ورود صلیبی‌ها به جزیره جلوگیری می‌کرد. در خلال جنگ سوم صلیبی با تصرف قبرس توسط ریچارد شیردل این جزیره به پایگاهی برای لشکریان صلیبی تبدیل شد و در جریان مستقیم این جنگها در آمد. اما تصرف قبرس توسط ریچارد تحولات مهمی در اوضاع داخلی قبرس نیز داشت. اولین تأثیر از نظر سیاسی یعنی تغییر حاکمیت یونانی به لاتینی بود که تا زمان فتح قبرس توسط عثمانی‌ها در سال ۱۵۷۱/۹۷۹ ادامه یافت. دومین تأثیر از نظر اجتماعی آن ایجاد سیستم فئودالی و تبدیل یونانی‌ها به طبقات فرودست جامعه بود. ورود گی همچنین زمینه برای اتحاد با مملکت صلیبی بیت المقدس را فراهم کرد و اهمیت این جزیره برای کشورهای اروپایی افزون گشت. تغییر آیین رسمی جزیره از مسیحیت ارتودکس به مسیحیت کاتولیک از دیگر تأثیرات جنگهای صلیبی در قبرس بود. با شرکت قبرس در جنگ چهارم و تصرف قسطنطنیه ارتباط قبرس با بیزانس قطع شد. قبرس در جنگ پنجم صلیبی نیز در محاصره دمیاط شرکت کرد و در جریان جنگ ششم ورود فردریک به قبرس موجب تشدید نزاعهای داخلی گشت. دوره‌ی جنگهای صلیبی اول تا ششم از نظر اقتصادی از یک سو موجب فعالیتهای تجاری جمهوریهای ایتالیایی در قبرس شد و از سوی دیگر پس از ناامن شدن سواحل شرقی اهمیت تجاری سواحل شمالی جزیره را افزایش داد زیرا با توجه به ناامن شدن دیگر سواحل تجارت با آسیای صغیر گسترش یافت.

منابع و مأخذ:

- ابن ابی جراده، عمر بن احمد، زبده الحلب من تاریخ حلب، تحقیق و تقدیم: سهیل زکار، دمشق: دارالکتب العربی، ۱۴۱۸/۱۹۹۷.
- ابن تغری بردی، جمال الدین ابوالمحاسن، ۱۹۹۲/۱۴۱۳، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، تقدیم و تحقیق محمد شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمان، تاریخ ابن خلدون، تحقیق: خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۸/۱۴۰۸.
- ابن کثیر، ابوالفدا اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت: دارالفکر، ۱۹۸۶/۱۴۰۷.
- ابن واصل، جمال الدین محمد بن سالم، [مفرج الکروب فی تاریخ بنی ایوب. (فارسی)] تاریخ ایوبیان: مصحح: جمال الدین الشیال مترجم: پرویز اتابکی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ادیوری، بیترو، قبرص و الحروب الصلیبیه، بیروت: دارالملتقی للطباعه و النشر، ۱۹۹۷، ۱۰.
- حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: آگاه، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- الحریری، احمد بن علی، تاریخ جنگهای صلیبی ترجمه الاعلام و التبیین فی خروج الفرنج الملاعین علی دیار المسلمین، تحقیق: سهیل زکار، ترجمه: عبدالله ناصری طاهری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴.
- رانسیمان، استیون، جنگهای صلیبی، ترجمه: منوچهر کاشف، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- الزنتانی، عبدالوهاب محمد، قبرص من معاویه الی اجاويد، القاهره: دارغریب للطباعه و النشر و التوزیع، ۲۰۰۲.

- شبارو، عصام محمد، ۱۳۸۸، دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ اسلام، ترجمه شهلا بختیاری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- عثمان، احمد، تاریخ قبرص، القاهرة: بی نا، ۱۹۹۷.

- عثمان، هاشم، تاریخ شیعه در شام، ترجمه: حسن حسین زاده شانه چی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۲.

- العینی، بدرالدین محمود، ۱۹۸۸/۱۴۰۸، عقدالجمان فی تاریخ اهل الزمان، تحقیق محمد محمدامین، قاهره، الهیئه المصریه العامه للكتاب.

- الغامری، عبدالله سعید محمد سافر، جهاد الممالیک ضد المغول والصلیبیین، مکه المکرمه: معهد البحوث العلمیه و احیاء التراث الاسلامی مرکز بحوث الدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۰.

- فرشوخ، محمد عبدالحفیظ، مملکه قبرص اللاتینییه بین الشرق الاسلامی و الغرب الاروی، بیروت: ۲۰۱۲.

- گروسه، رنه، جنگهای صلیبی، مترجم: علی اصغر تسنیم، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۳۸.

- محمد عاشور، فاید حماد، جهاد مسلمانان در جنگهای صلیبی، ترجمه: عباس عرب، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.

- موتریل، جیرارد، اعمال القبارصه، مترجم: سهیل زکار، دمشق: دارالتدوین والتألیف والترجمه والنشر، ۲۰۰۸.

- مونس، حسین، ۱۳۹۰، اطلس تاریخ اسلام، ترجمه می آذرتاش آذرنوش، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- الثویری، شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب، نهایه الارب فی فنون الادب، قاهره: دارالکتب و الوثائق القومیه، ۱۴۲۳.

- وست، آنتونی، جنگهای صلیبی، ترجمه: داریوش همایون، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰.

- هانس، ابرهاردمایر، جنگهای صلیبی، ترجمه: عبدالحسین شاهکار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

۱- Algar, H. ۱۹۸۶. Kubrus. in Encyclopedia of Islam, (vol. ۵, pp. ۳۰۹-۳۰۱). Leiden, Brill.

۲- Cyprus., ۱۹۶۲, In Encyclopedia Britannica. Chicago and London: Geneva, (vol. ۶, pp. ۹۳۱-۹۳۵)

۳- Hill, G., ۱۹۴۹, A History of Cyprus, Cambridge at the university press.

۴- NewMan, P., ۱۹۴۰, A Short History of Cyprus. London, Long Mans, Green and co. LTD.

۵- Spilling, M., & Spilling, J., ۲۰۱۰, Cyprus. New York, Marshall Cavendish Benmark.

۶- Tofallis, K, ۲۰۰۲, A History of Cyprus, London, The Greek Institue.